

«مدیریت بهره‌وری»

سال چهاردهم - شماره پنجاه و چهار - پاییز ۱۳۹۹

ص ص: ۲۲۴ - ۲۰۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

مدیریت فرهنگی محله محور و نقش آن در اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران

سحر شتابان^۱

اسماعیل کاووسی^{۲*}

عباسعلی قیومی^۳

چکیده

این تحقیق در راستای بررسی نقش مدیریت فرهنگی محله محور در اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران انجام شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق عبارت از کلیه شهروندان ساکن در کلان شهر تهران می باشند که تعداد آنها حدوداً ۱۴۰۰۰۰۰ نفر می باشد. روش نمونه گیری در این پژوهش روش نمونه گیری ساده می باشد. از جامعه آماری مذکور با توجه به ضوابط نمونه گیری (بر اساس شیوه نمونه گیری مندرج در جدول مورگان) تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و سپس با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در چهار بعد و ۲۸ گویه تنظیم براساس مقیاس پنج گزینه ای لیکرت، و گویه های مستخرجه در نمونه آماری تحقیق مورد پرسش قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی نیز، توصیف داده ها در دو بخش متغیرهای زمینه ای و متغیرهای اصلی ارائه گردیده و در بخش آمار استنباطی، جهت بررسی فرضیه ها از آزمون رگرسیون خطی استفاده شده است. با توجه به داده های تحقیق می توان گفت، مدیریت فرهنگی محله محور بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران اثر مثبت و معنی داری دارد.

واژه های کلیدی: مدیریت فرهنگی، مدیریت فرهنگی محله محور، اثربخشی عملکرد فرهنگی

اثربخشی عملکرد فرهنگی شهرداری در کلان شهر

۱- دانشجوی دوره دکتری مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
۲- استادگروه مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤول) kavooosi@iau-tnb.ac.ir
۳- دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

از اواخر قرن بیستم، نقش و عملکرد کلان شهرها در نتیجه رشد سریع اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات، شرکت های چند ملیتی، بین المللی شدن فعالیت های اقتصادی و حرکت فزاینده افکار، نمادها و پنداره های فراگیر در مرزهای ملی، بازنگری مجدد شده است (آبراهامسون، ۲۰۰۴). جهانی شدن رقابت بین شهرها را افزایش داده است و آنها را در معرض جامعه جهانی قرار داده است. به طور مثال در سلسله مراتب شهری^۱ نخستین شهرهای جهانی (مانند لندن، نیویورک و توکیو) و شهرهایی که به تازگی در دهه ۱۹۸۰ به عنوان شهرهای اقتصادی صنعتی شده شناخته می شوند (مانند هنگ کنگ، سئول و تایپه) می خواهند وضعیت مهم و پیشتازی شهرشان را حفظ کنند و بسیاری از کلان-شهرهای در حال توسعه آرزو دارند و سعی می کنند تا بوسیله طی کردن مسیر «واکنش جهانی شدن»^۲، یعنی، با به کارگیری موسسات و شرکت های چند ملیتی، ارائه خدمات خاص حمایتی و فراهم آوردن جاذبه های فرهنگی برای توسعه توریسم بین المللی به مجموعه شهرهای جهانی وارد شوند (آبراهامسون، ۲۰۰۴). شهروندی مفهومی چندبعدی دارد این ابعاد عبارتند از: یادگیری چگونگی عملکرد سیستم سیاسی و نهادهای رسمی آن، رشد احساس کارآمدی و تفسیر آن به حقوق مطالبه شده در آن سیستم، دستیابی و برخورداری از مجموعه حقوق کامل فردی، اجرای مناسب مجموعه مسؤولیت های فردی، و باور راسخ به عضویت اجتماعی در یک جامعه خاص (استرام کویست، ۲۰۰۶).

از نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم به دنبال تغییرات ساختاری و بنیادی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان، مطالعات نظری و تحقیقات کاربردی در حیطه مدیریت و برنامه ریزی شهری به طور جدی صاحب نظران و متخصصین امور شهری را وادار به چرخش محسوسی به سوی نظام های دموکراتیک شهری و رویکرد اداره شهرها از سطوح خرد به کلان نمود (لرنر، ۲۰۰۸: ۲۰-۲۳).

از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، به کارگیری شاخص های مربوط به اندازه گیری و ارزیابی عملکرد در برنامه ها و پروژه های موسسات دولتی رونق یافت (کولین، ۲۰۱۱: ۶۶). بنابراین دو رهیافت علاقمند به موضوع سنجش عملکرد مدیریت در سطح محلی قابل طرح است. رهیافت اول در حوزه «مطالعات سازمان ها» که مفاهیم «کارایی» و «اثربخشی» و شاخص های مرتبط با آن را مورد توجه قرار می دهد، رهیافت دوم در حوزه «حکمروایی مطلوب شهری» در چارچوب نظریه های اجتماعی و تاثیر آن بر عملکرد سازمان های مدیریت در سطح محلی است (آکسلیدو، ۲۰۱۳: ۶۱). به عبارتی حکومت

1 - city hierarchy

2 - Globalization response

برای دستیابی به اهداف مورد نظر و اداره امور جامعه نیازمند ایجاد سطوح مدیریتی در سطح دولت است (آن‌ها، ۲۰۱۲: ۳۳). بنابراین مدیریت عمومی در سطح محلی، در واقع به معنی اداره امور توسط حکومت محلی (مقیمی، ۱۳۹۰: ۵۹) است که می‌توان آن را مدیریت محله محور به عنوان پل اتصال بین اجتماع منسجم محلی و حکومت مرکزی دانست: بنابراین، رویکرد استفاده و کاربرد کلمه «مدیریت محله محور» به جای «حکومت محلی» تلاش برای سیاست‌زدایی از حکومت محلی و تداوم فن‌سالاری است (یاب‌کیو، ۲۰۱۴: ۱۰-۱۲).

یکی از مفاهیم بنیادی در سازمان اثربخشی است. اثربخشی در چهار رویکرد مفهوم‌سازی شده است: اول رویکرد نیل به هدف، که اثربخشی را بر حسب میزان تحقق هدف‌های سازمانی و دست‌آوردهای نهایی که سازمان برای تحقق آنها پدید آمده است در نظر می‌گیرد. دوم رویکرد نظام‌مند، که اثربخشی سازمانی را بر پایه توانایی در به‌کارگیری و پردازش داده‌ها و راه‌های گوناگون دستیابی به آنها و حفظ پایداری و استواری سازمان تعریف می‌کند. سومین رویکرد، رویکرد عوامل استراتژیک است که اثربخشی سازمانی بر اساس تأمین انتظارات عوامل پیرامونی که پایداری سازمان نیازمند آنها است تعریف می‌شود. و رویکرد چهارم، رویکرد ارزش‌های رقابتی است که اثربخشی سازمانی را نیازمند شناسایی همه متغیرهای بنیادی تأثیرگذار بر کارکرد سازمان و چگونگی پیوند این متغیرها می‌داند (رایبیز، ۱۳۷۸).

اثربخشی یکی از ساختارهای سازمانی شایع، در عین حال کم‌ترسیم شده است که به همه شرکت‌کنندگان در زندگی سازمانی ارتباط دارد. درک هدف‌های سازمان از نخستین گام‌هایی است که باید در راه اثربخشی سازمان برداشت. هدف‌های سازمانی باید نشانگر علت وجودی آن و آنچه که در پی دستیابی به آن است باشد. هدف‌ها را به صورت «وضع مطلوب سازمان در آینده» تعریف می‌کنند. اثربخشی سازمان عبارتست از درجه یا میزانی که سازمان به هدف‌های مورد نظر خود نائل می‌آید برای اثربخشی و حفظ ادامه موفقیت، مدیران بایستی ویژگی‌های خاص، توانایی‌ها و شایستگی‌های بالقوه و دانش و تجربه طولانی و مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی داشته باشند و برای اینکه مدیریت اثربخش ایجاد گردد، باید از هدف‌ها آغاز کرد. شناخت هدف‌ها و باور داشتن آنها، تعهد نسبت به کسب آنها، همسویی و همانندی با آنها و تحرک و انگیزختگی در جهت آنها گام نخستین در جهت اثربخشی مدیران است (آرمسترانگ، ۲۰۰۷: ۱۶۲).

تعریف متداولی که بسیاری از اندیشمندان مدیریت در مورد اثربخشی انجام داده‌اند عبارتست: «اثربخشی میزان رسیدن به اهداف سازمانی را گویند». سازمان می‌تواند اهداف متعددی را فراسوی خود قرار دهد، اهدافی مانند: رضایت کارکنان، رضایت مشتریان (ارباب رجوع)، کیفیت تولیدات و

خدمات و... اثربخشی خود را با میزان تحقق اهداف تعیین شده، بسنجد. اثربخشی توجه به بازده یا ستاده صحیح و مناسب است. اثربخشی معنای کیفیت را در خود نهفته دارد. کارایی یعنی از داده‌های (منابع) سازمان به نحوی مطلوب و شایسته در زمانی کم و با هزینه‌ای پائین و به عبارت دیگر با ریخت و پاش کمتر استفاده نمائیم.

اثربخشی سازمانی میزان همخوانی دست‌آوردهای سازمان با دست‌آوردهای مورد نظر است (فیدلر و چمر، ۱۳۸۱). اثربخشی یعنی انجام دادن کارهای درست به گونه‌ای که تمرکز و تأکید بر دست‌آوردها است. که زمانی به دست می‌آید که سازمان به هدف‌های خود برسد (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۰).

رابینز (۱۹۹۸) اثربخشی را نیل و دستیابی به اهداف می‌داند. وی معتقد است مدرسه‌ای اثربخش است که درصد بالایی (معناداری) از دانش‌آموزانش، نمره قابل قبول از آزمون‌های استاندارد (امتحانات) بیاورند. رهبری اثربخش در سازمان، عامل اصلی و اساسی در ایجاد هم‌فکری و هم‌دلی است. و رهبران مؤثر کسانی هستند که بتوانند افراد متفاوت را در زیر چتر فکری و نظر واحد گرد آورند و این درک را ایجاد کنند که اختلافات فردی جزئی و کم اهمیت بوده، روح جمعی است که واجد ارزش و اعتبار است (ساعتچی و عزیزپور شویی، ۱۳۸۴: ۷).

در همین راستا پژوهش حاضر در پی آن است تا عوامل موثر بر بهبود عملکرد مدیران موسسات خدماتی و بازرگانی استان گیلان را بررسی نماید.

یکی از مفاهیم بنیادی در سازمان اثربخشی است. اثربخشی در چهار رویکرد مفهوم سازی شده است: اول رویکرد نیل به هدف، که اثربخشی را بر حسب میزان تحقق هدف‌های سازمانی و دست-آوردهای نهایی که سازمان برای تحقق آنها پدید آمده است در نظر می‌گیرد. دوم رویکرد نظام‌مند، که اثربخشی سازمانی را بر پایه توانایی در به‌کارگیری و پردازش داده‌ها و راه‌های گوناگون دست‌یابی به آنها و حفظ پایداری و استواری سازمان تعریف می‌کند. سومین رویکرد، رویکرد عوامل استراتژیک است که اثربخشی سازمانی بر اساس تأمین انتظارات عوامل پیرامونی که پایداری سازمان نیازمند آنها است تعریف می‌شود. و رویکرد چهارم، رویکرد ارزش‌های رقابتی است که اثربخشی سازمانی را نیازمند شناسایی همه متغیرهای بنیادی تأثیرگذار بر کارکرد سازمان و چگونگی پیوند این متغیرها می‌داند (رابینز، ۱۳۷۸).

اثربخشی سازمانی میزان همخوانی دست‌آوردهای سازمان با دست‌آوردهای مورد نظر است (فیدلر و چمرز، ۱۳۸۱). اثربخشی یعنی انجام دادن کارهای درست به گونه‌ای که تمرکز و تأکید بر دست‌آوردها است. که زمانی به دست می‌آید که سازمان به هدف‌های خود برسد (هرسی و بلانچارد، ۱۳۷۰).

رایینز (۱۹۹۸) اثربخشی را نیل و دستیابی به اهداف می‌داند. وی معتقد است مدرسه‌ای اثربخش است که درصد بالایی (معناداری) از دانش‌آموزانش، نمره قابل قبول از آزمون‌های استاندارد (امتحانات) بیاورند. رهبری اثربخش در سازمان، عامل اصلی و اساسی در ایجاد هم‌فکری و هم‌دلی است. و رهبران مؤثر کسانی هستند که بتوانند افراد متفاوت را در زیر چتر فکری و نظر واحد گرد آورند و این درک را ایجاد کنند که اختلافات فردی جزئی و کم اهمیت بوده، روح جمعی است که واجد ارزش و اعتبار است (ساعتچی و عزیزپور شوبی، ۱۳۸۴: ۷).

مدیریت محله رویکردی نوین در مدیریت شهری است که در آن شهر به چند محله تقسیم و در مدیریت آن بر استفاده از نیروها و منابع انسانی و فرصت‌های محلی تاکید شده و نیاز سنجی‌ها نیز بر اساس اظهارات ساکنین محله انجام می‌گیرد. در این رویکرد، بهترین کسانی تلقی می‌شوند که می‌توانند مدیریت شهری را به منظور شناخت هر چه بیشتر مسائل و مشکلات محله و همچنین ارائه راه حل یاری نمایند (شپرد، ۲۰۱۳: ۳۳).

ارزیابی مدیریت محله‌ای در چارچوب حکمروایی مطلوب شهری امری اجتناب پذیر است: چرا که در کنار مشارکت (به عنوان مهمترین هدف اجرای طرح مدیریت محلات)، توجه به دقت، سرعت، صحت، کیفیت ارائه خدمات، افزایش پاسخ‌گویی مدیران شهری، کارآمدشدن روند مدیریت و خدمات ارائه شده و... مهم اجرای طرح مدیریت محلات است (کلمن، ۲۰۰۹: ۱۱۸).

مفهوم حکمروایی مطلوب شهری جزو مفاهیم هنجاری بوده و می‌تواند به عنوان الگوی عملکردی استفاده شود. این حکمروایی می‌تواند به عنوان جستجوی راه‌حلی‌هایی باشد که از طریق مذاکراتی که با استفاده از روش‌های متعدد و نیز درگیری بازیگران بخش رسمی (دولتی) و غیررسمی (غیردولتی)، به دست آید. حکمروایی مطلوب شهری همچنین به عنوان یک مفهوم بنیادی با هدف بهبود مهارت‌های اداری و بهره‌وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخ‌گویی مقامات شهری برداشت شده است (کاداگو، ۲۰۱۰: ۱). برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمروایی مطلوب شهری را مشارکت برابر همه شهروندان در تصمیم‌گیری می‌داند که نه تنها شامل دولت بلکه شامل جامعه مدنی و بازار است که در نهایت به ایجاد شرایط قانون‌مندی و کنش جمعی کمک می‌کند. حکمروایی مطلوب شهری در این معنی حاوی معنایی دوگانه است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱) این ترتیب که در یک سمت این مفهوم به تجلیات تجربی انطباق دولت با محیط بیرونی و از طرف دیگر با الگوی مفهومی یا نظری هم‌یاری نظامات اجتماعی و نقش دولت در این فرایند مربوط است (هانس، ۲۰۱۴: ۱۸). بنابراین باید افزود که مدل اداره شهر به صورت دولت محلی و با نگرش حکمروایی مطلوب شهری مقوله مهمی است که در کشورهای پیشرو در برنامه‌ریزی شهری

تقریباً عملیاتی شده است که در جدول زیر به تجارب این کشورها اشاره شده و وضعیت ایران نیز مورد مقایسه قرار گرفته است.

امروزه فرهنگ جوامع به عنوان یک سرمایه اجتماعی در برنامه‌ها و طرح‌های شهری مدنظر قرار می‌گیرد. در کلیه طرح‌ها و برنامه‌ریزی شهری باید توجه به فرهنگ سرلوحه مطالعات قرار گیرد. تطابق برنامه‌ها و طرح‌ها با فرهنگ از مقولات اساسی پایداری جوامع است. به گفته چپ من^۱: محیط انسان‌ساخت مظهری از فرهنگ جامعه‌ای است که آن را خلق کرده است. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر، نیازمند برقراری روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است. به طور معمول در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، ریشه بسیاری از بحران‌های بزرگ و زنجیره‌ای را باید در ضعف فرهنگ بومی و محله‌ای دنبال کرد. ضمن آنکه بی‌توجهی و آگاهی نداشتن حکومت‌های محلی یا همان شهرداری‌ها به مسائل اجتماعی و فرهنگی روز، زمینه را برای افزایش این بحران‌ها و نابسامانی‌های شهری هموار کرده است. این امر دلیل محکمی بر نیاز ضروری شهرها به مدیریت کامل و جامع شهری در همه مسائل به‌ویژه مسائل فرهنگی و اجتماعی است.

پیوند فرهنگ و شهر ایده تازه‌ای نیست. لویس مامفورد^۲ در کتاب فرهنگ شهرها (۱۹۳۸) نشان داد «شهر مکانی است که پیچیدگی فرهنگ در آن نمایان می‌شود. شهر ظرف یا مخزن یا امکان به‌خصوصی است که پیام‌ها را دریافت، ذخیره و منتقل می‌کند» (مامفورد، ۱۳۸۶: ۱۵۵). می‌توان گفت که شهر نوعی سازمان‌یافتگی اجتماعی در فضا است که باید آن را تولیدکننده دائم فرهنگ و بهترین بستر برای فرهنگ‌سازی به حساب آورد و همانند متنی فرهنگی در ایجاد تجارب فرهنگی و انتقال معانی فردی و جمعی نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند.

فرهنگ و شهر دو پدیده مکمل هستند هرکدام دیگری را تکمیل و بدون دیگری نیز معنا و مفهومی ندارد. به عبارت دیگر هر دو، همه پدیده‌های انسانی شهر را تکمیل می‌کنند. ژوئل گارو^۳ اشاره دارد که شهر دارای شش کارکرد می‌باشد: تاریخ، تجارت، مذهب، حکومت، بهداشت و فرهنگ که هر یک به وسیله دیگری تبلور می‌یابد.

شهر نه تنها با فرهنگ و نیازهای مربوط به اسکان، هویت می‌یابد بلکه فرهنگ نیز ویژگی‌های بخش‌های مادی (تمدن) و غیرمادی (روانی، فکری، اخلاقی و...) خود را از شهر می‌گیرد. از این رو شهرها فرهنگی و فرهنگها شهری هستند. شهر دارای حیات، دوره‌ها، مراحل مختلف زندگی انسانی،

1-Chap man

2- Louise Mamford

3- Joule garro

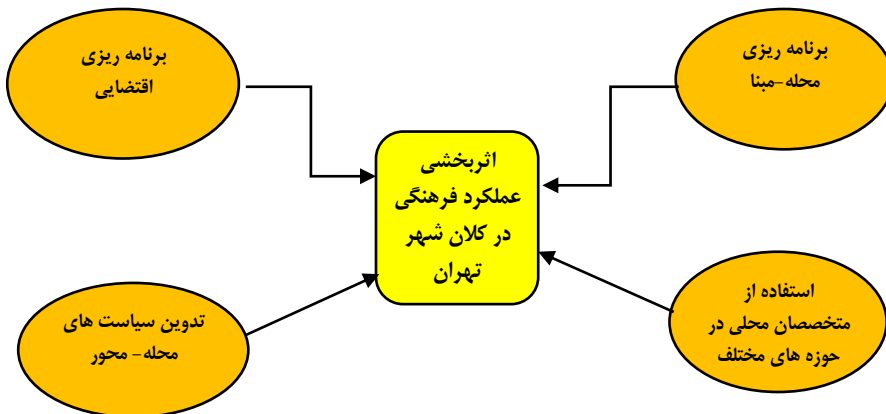
نظام ذهنی و فکری بوده و می‌تواند گاه جوان و فعال همانند شهرهای جدید باشد و گاه وقتی که با پدیده‌های مهاجرت، تمرکز اجتماعی و.. برخورد نکند، به شهر ارواح تبدیل گردد؛ حتی اگر در گذشته از لحاظ تاریخی محل تمدن‌های بزرگ بوده است. فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر شیوه زندگی و شکل دهنده تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی هم رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷).

اهداف اصلی

مدیریت فرهنگی محله محور (برنامه ریزی محله-مبنا، برنامه ریزی اقتصادی، استفاده از متخصصان محلی در حوزه‌های مختلف و تدوین سیاست‌های فرهنگی محله-محور) بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران تاثیرگذار می‌باشند.

اهداف فرعی:

۱. برنامه ریزی محله-مبنا بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران تاثیرگذار می‌باشند.
۲. برنامه ریزی اقتصادی بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران تاثیرگذار می‌باشند.
۳. استفاده از متخصصان محلی در حوزه‌های مختلف بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران تاثیرگذار می‌باشند.
۴. تدوین سیاست‌های فرهنگی محله-محور بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران تاثیرگذار می‌باشند.



شکل شماره-۱- مدل اولیه حاصل از ادبیات تحقیق

ابزار و روش

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق با توجه به موضوع و ماهیت تحقیق روش کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان ساکن در تهران هستند که تعداد آنها حدوداً ۷۰۰۰۰۰۰ نفر می‌باشد. که با توجه به ضوابط نمونه‌گیری تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده آنالیز این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته شده است. در سطح توصیفی از توزیع فراوانی متغیرها، درصد، جداول، و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و در سطح آمار استنباطی از روش‌های آزمون‌های مقتضی استفاده می‌گردد. در تحقیق حاضر با توجه به سطح سنجش متغیرها و نوع فرضیات از هر دو دسته آزمون‌های تفاوت و رابطه استفاده گردیده است. در این تحقیق از آزمون‌های آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن داده‌ها نمونه و آزمون رگرسیون خطی، دوربین واتسون و آزمون F استفاده شده است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

فرضیه فرعی اول

۱- "برنامه ریزی محله-مبنا بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران تاثیرگذار می‌باشند."

جدول شماره (۱): خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه اول

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۵۶۷	۰/۳۲۱	۰/۲۸۷	۱/۹

بدین ترتیب همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۹) در فاصله ۲/۵-۱/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۳۲۱ می‌باشد که این موید آن است که ۳۲/۱٪ از تغییرات متغیر وابسته (اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران) به کمک متغیر مستقل (برنامه ریزی محله - مبنا) قابل تبیین است.

جدول شماره (۲): آزمون خطی بودن معادله (ANOVA) فرضیه اول

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری (sig)
رگرسیون	۱۱/۲۴	۱	۱۱/۲۴	۲۹/۲۲۶	۰/۰۰۰
خطا	۱۴۶/۸۶۴	۳۸۲	۰/۳۸۴		
کل	۱۵۸/۱۰۴	۳۸۳			

با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول شماره (۳): تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه اول

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری (sig)
عدد ثابت	۵/۶۶۲	۰/۲۳۲	-	۲۴/۴۲۸	۰/۰۰۰
برنامه ریزی محله - مینا	۰/۶۶۵	۰/۰۶۸	۰/۵۶۷	۹/۷۷۱	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۳ مشاهده می شود سطح معنی داری متغیر برنامه ریزی محله - مینا کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می باشد ($\text{sig} < 0.05$ و $\alpha = 0.05$) در نتیجه متغیر برنامه ریزی محله - مینا وارد مدل رگرسیونی می شود. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت برنامه ریزی محله - مینا بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران اثر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه فرعی دوم

۲- "برنامه ریزی اقتصادی بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران تاثیرگذار می باشد."

جدول شماره (۴): خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه دوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۴۲۵	۰/۱۸۱	۰/۱۷۸	۱/۸۹۲

بدین ترتیب همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مقدار آماره دوربین واتسون ($1/892$) در فاصله $1/5-2/5$ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین $0/181$ می‌باشد که این موید آن است که $1/181\%$ از تغییرات متغیر وابسته (اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران) به کمک متغیر مستقل (برنامه ریزی اقتضایی) قابل تبیین است.

جدول شماره (۵): آزمون خطی بودن معادله (ANOVA) فرضیه دوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری (sig)
رگرسیون	۹/۷۵۱	۱	۹/۷۵۱	۲۵/۰۶۶	۰/۰۰۰
خطا	۱۴۸/۶۰۲	۳۸۲	۰/۳۸۹		
کل	۱۵۸/۱۰۴	۳۸۳			

با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای 95% معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول شماره (۶): تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه دوم

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری (sig)
عدد ثابت	۶/۳۱۵	۰/۲۸۷	-	۲۲/۰۲۵	۰/۰۰۰
برنامه ریزی اقتضایی	۰/۵۸۲	۰/۰۷۵	۰/۴۲۵	۷/۷۶۲	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۶ مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر برنامه ریزی اقتضایی کمتر از $\alpha=0/05$ می‌باشد ($\alpha=0.05$ و $\text{sig}<0.05$) در نتیجه متغیر برنامه‌ریزی اقتضایی وارد مدل رگرسیونی می‌شود. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی با اطمینان 95% می‌توان گفت برنامه‌ریزی اقتضایی بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران اثر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه فرعی سوم

۳- "استفاده از متخصصان محلی در حوزه های مختلف بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران تاثیر گذار می باشند."

جدول شماره (۷): خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه سوم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۶۲۴	۰/۳۸۹	۰/۳۸۳	۱/۷۲۷

بدین ترتیب همان طور که در جدول ۷ مشاهده می شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۱/۷۲۷) در فاصله ۲/۵-۱/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۳۸۹ می باشد که این موید آن است که ۳۸/۹٪ از تغییرات متغیر وابسته (اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران) به کمک متغیر مستقل (استفاده از متخصصان محلی در حوزه های مختلف) قابل تبیین است.

جدول شماره (۸): آزمون خطی بودن معادله (ANOVA) فرضیه سوم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری (sig)
رگرسیون	۲۲/۴۲۴	۱	۲۲/۴۲۴	۶۲/۹۸۸	۰/۰۰۰
خطا	۱۳۵/۶۸	۳۸۲	۰/۳۵۶		
کل	۱۵۸/۱۰۴	۳۸۳			

با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیون معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول شماره (۹): تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه سوم

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری (sig)
عدد ثابت	۶/۴۵۵	۰/۱۸۷	-	۳۴/۵۲۵	۰/۰۰۰
استفاده از متخصصان محلی در حوزه های مختلف	۰/۷۲۳	۰/۰۵	۰/۶۲۴	۱۴/۴۵۹	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۹ مشاهده می شود سطح معنی داری متغیر استفاده از متخصصان محلی کمتر از $\alpha=0.05$ می باشد ($\alpha=0.05$ و $\text{sig}<0.05$) در نتیجه متغیر استفاده از متخصصان محلی در حوزه های مختلف وارد مدل رگرسیونی می شود. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت استفاده از متخصصان محلی در حوزه های مختلف بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران اثر مثبت و معنی داری دارد.

فرضیه فرعی چهارم

۴- "تدوین سیاست های فرهنگی محله- محور بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران تاثیرگذار می باشند."

جدول شماره (۱۰): خلاصه نتایج توصیفی مدل رگرسیونی فرضیه چهارم

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون
۰/۴۶۶	۰/۲۱۷	۰/۲۰۲	۲/۰۳۲

بدین ترتیب همان طور که در جدول ۱۰ مشاهده می شود، مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۰۳۲) در فاصله ۱/۵-۲/۵ قرار دارد، بنابراین فرضیه عدم وجود همبستگی بین خطاها رد نمی شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین ۰/۲۱۷ می باشد که این موید آن است که ۲۱/۷٪ از تغییرات متغیر وابسته (اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان شهر تهران) به کمک متغیر مستقل (تدوین سیاست های فرهنگی محله- محور) قابل تبیین است.

جدول شماره (۱۱): آزمون خطی بودن معادله (ANOVA) فرضیه چهارم

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری (sig)
رگرسیون	۱۴/۳۳۵	۱	۱۴/۳۳۵	۳۸/۱۲۵	۰/۰۰۰
خطا	۱۴۳/۷۷	۳۸۲	۰/۳۷۶		
کل	۱۵۸/۱۰۴	۳۸۳			

با توجه به مقدار آماره آزمون F و معنی داری آن در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ معادله رگرسیونی معتبر بوده و نتایج آن قابل تحلیل است.

جدول شماره (۱۲): تحلیل رگرسیونی و ضرایب رگرسیون فرضیه چهارم

متغیر	B	خطای استاندارد	BETA (ضریب استاندارد شده بتا)	آماره t	سطح معنی داری (sig)
عدد ثابت	۶/۳۰۶	۰/۱۸۵	-	۳۴/۰۷۵	۰/۰۰۰
تدوین سیاست‌های فرهنگی محله-محور	۰/۵۷۶	۰/۰۵۳	۰/۴۶۶	۱۰/۸۶۷	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۱۲ مشاهده می‌شود سطح معنی داری متغیر تدوین سیاست‌های فرهنگی محله-محور کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ می‌باشد ($\alpha = 0.05$ و $\text{sig} < 0.05$) در نتیجه متغیر تدوین سیاست‌های فرهنگی محله-محور وارد مدل رگرسیونی می‌شود. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت تدوین سیاست‌های فرهنگی محله-محور بر اثربخشی عملکرد فرهنگی در کلان‌شهر تهران اثر مثبت و معنی داری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. در این میان توجه و تاکید مدیران شهری بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری متوجه شده است (جی سرزول، ۲۰۰۹: ۲۳).

امروزه در گفتگوهای روزمره وقتی سخن از محله بر زبان می‌آوریم، مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف و تفسیر را در ذهنمان جای می‌دهیم. اما اگر در همان لحظه از خود بپرسیم محله چیست، به سادگی قادر به تعریف محله نخواهیم بود. در حقیقت، امروزه ما در زندگی روزمره، اصطلاح "محله" را بدون اطلاع یا بی‌توجهی به مفهوم واقعی و پیشینه بلند تاریخی آن به کار می‌بریم. مدیریت نوین شهری با محور قرار دادن انسان و تأمین نیازهای اولیه و اساسی او در سطح اجتماعات محلی درصدد تفوق نسبی کارکردهای اجتماعی، مانند مشارکت‌های همگانی و دخالت در تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری، عدالت اجتماعی به کارکردهای فیزیکی و ظاهری مانند به‌کارگیری ساخت و سازهای فیزیکی و کالبدی در سطح شهر، زیباسازی،... است. این ساختار مدیریتی، ایجاد ساختار تشکیلاتی غیرمتمرکز برای سازمان‌ها و حکومت‌های محلی را امری ضروری می‌داند. این مسأله، توسعه منابع جدید، آموزش و تعلیم و یگانگی تفکر بین دولت‌های محلی و حکومت مرکزی را می‌طلبد. به عبارتی، مدیریت جدید شهری تنها به معنای تهیه فهرستی از وظایف و فعالیت‌ها برای مدیران که احیاناً در

گذشته وجود نداشته نیست. این مدیریت شامل برخوردی نوین با مسأله مدیریت شهری است. شیوه‌ای است نوین از عملکرد یک سازمان، در برخورد با دولت مرکزی و مردم. قطعاً این گونه اعمال مدیریت، پویایی بیشتر و خودکفایی مؤثر و فعال‌تری را با جهت‌گیری به سوی اکثریت جامعه محلی به همراه دارد.

اگر «برنامه ریزی» را مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرایندها بدانیم - که نتیجه آن ممکن است موفقیت آمیز باشد یا نه - بر این اساس، برنامه‌ریزی فرهنگی را نیز می‌توان کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان‌یافته دولت برای ایجاد تغییر در وضع موجود و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه‌های فرهنگی دانست.

برنامه‌ریزی فرهنگی امری سهل و ممتنع است یعنی در ظاهر امر، کاری آسان جلوه‌گر می‌کند ولی در عمل و به‌ویژه به هنگام کسب نتیجه متوجه می‌شویم که فعالیتی چند بعدی و بسیار پیچیده بوده است. در بادی امر به نظر می‌رسد که به راحتی می‌توان جواب مسائل و مشکلات پیش روی برنامه را ارائه داد و برای نیل به اهداف فرهنگی، سیاست‌های موثری یافت، اما تجربه علمی بشر ثابت کرده که بدیهی‌ترین پرسش‌ها دشوارترین و در عین حال حساس‌ترین پاسخ‌ها را به همراه داشته است (کارکیا، ۱۳۸۱).

References

- Abrahamson, M., (2004), *Global Cities*. Oxford University Press, New York, 1-192
- Armstrong, Michael. (2007), *Handbook personnel management practice*, Fourth edition, kurgan page, 1-433.
- Axelrod, M. (1956), *Urban Structure and Participation American Sociological Review*, 21(1), 13-18.
- Bohm, A. (2006), *Theoretical Coding*, in U. Flick. E. V. Kardorff and I, Steinke (eds) *a Companion to Qualitative Research*, London, SAGE, 270-275.
- Carkiya, F. (2002), *the place of industrial design in the cultural planning of the Fine Arts Quarterly*, 11, 89-97. [In Persian]
- Coleman, J. (2007), *Foundations of Social Theory*, Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney publication.
- Coleman, j. (2009), *Social in the creation of human capital*. *American journal of Sociology*, 94, 95-120.
- Creswell, J., w. (2012), *Educational research: planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative*, 1-650.
- Fidler, F., A; Chamerz, M. (2002), *Effective Leadership*, Translator: Khalili Shourini, Tehran, Book Memorial Publications.
- Hersi, P & Belanchard, K. (1991), *Organizational Behavior Management: Human Resource Application*, Translator: Alaghband, Tehran: Amir Kabir Publications.
- Kadago, Joseph, and Sandoz Simone, Ham Haber Johannes (2010): *Good urban governance, Actor's relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil*, 46th ISOCARP Congress.
- Kim, S., (2006), *Public Service motivation and organizational citizenship behavior in Korea*, *International journal of manpower*, 27(8), 722-740.
- Blair, H. (2008), *Participation and Accountability at the Periphery Democratic Local Governance in Six Countries*, 28(1), 21-39.
- Moghimi, S., M. (2011), *Office of Local Government Affairs*, Fifth Edition.

- Momford, L. (2006), *Culture of Cities*, translated by Aref Aghvani, Ministry of Housing and Urban Development, Urban Planning and Architecture Research Center, Tehran, 1.
- Pur Mohamadi, M., R; Hosein Zadeh, D., K; Piri E. (2010), *Optimal Urban Governance Based on Social Capital: A Test of Institutional-Spatial Communication Order and Non-Economic Activity*, Case Study: Tabriz Metropolis, *Geographical Study of Dry Areas*, 1(1), 35-55.[In Persian]
- Rabinz, S., P. (1998), *Organization theory (structure, design and applications)*. Translator: Alwani and Danaei Fard. Tehran: Saffar Publications.
- Saatchi, M; Azizpur Shobi, A., A. (2005), *Designing an Effective Academic Leadership Model*, *Daneshvar Raftar Bi-Quarterly*, Shahed University, 12(11), 1-18.[In Persian]
- Shah Talabi, M; Gholizadeh, A; Sharifi, S. (2010), *Compilation of Citizenship Culture Components in the Field of Values and Norms for Secondary School Students*, *Quarterly Journal of New Approach in Educational Management*, 1(3), 57-74.[In Persian]
- Kevin, R. Coxa Andrew, M. (2010), *Locality and Community in the politics of Local economic development*, 140-185.
- sheng, Y., K. (2010), *Good Urban Governance in Southeast Asia*, *Environment and Urbanization Asia*, 1(2), 131-147.
- Shiu-Sheng Chen & Yu-Hsi Chou. (2010), "Exchange Rates and Fundamentals: Evidence from Long-Horizon Regression Tests," *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, Department of Economics, University of Oxford, 72(1), 63-88.
- Stromquist, Nelly P. (2006), *Women's rights to adult education as a means to citizenship*. *International Journal of Educational Development*, 26(2), 140-152.
- Hutchings, K, (1999), *Political Theory and Cosmopolitan Citizenship*, Palgrave Macmillan, London. 3-32.

UN-HABITAT (2002): the Global Campaign on Urban Governance, concept paper, 2 ND Edition, Nairobi, Kenya.